

The function of plantification in objectifying the concept of "life" in the text of Quran and Nahj al-Balaghah

Morteza Ghaemi*, Akhtar Zolfaghari**

Abstract

There are a lot of conceptual metaphor for introducing “life” in Quran and Nahj al-Balaghah; including the metaphor of plantification that has been used in various ways to draw dimensions of life. This analytical-descriptive study tried to use the concepts of conceptual metaphor to analyze the projection of the source domain of "plants" on the target domain of the "life" in the text of Qur'an and Nahj-ol-Balaghah, in order to clarify that in the text of Quran and Nahj al-Balaghah which concepts of the source domain of “plants” projected on the target domain of “life”. What are the most important mappings of this projection process? And what is the role of using the conceptual metaphor of "life is agriculture" in explaining the Islamic perspective toward life?

The results of this study showed that The metaphors related to growing and plantification in the text of Qur'an and Nahj al-Balaghah ultimately confirm the belief that the world is the field of the Hereafter, and whatever you do here, you will see its outcome in the Hereafter

Keywords: Quran, Nahj al-Balaghah, Conceptual metaphor, Plantification, Life

* Professor of Arabic language and literature, Bu-ali Sina University, Hamedan(Corresponding Author), m.qaemi@basu.ac.ir

** Ph.D. of Arabic language and literature, Bu-ali Sina University, Hamedan.
zolfaghari559@gmail.com

Date received: 2022/02/19, Date of acceptance: 2022/06/06



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

کارکرد گیاه‌انگاری در عینی‌سازی مفهوم "زندگی" در متن قرآن و نهج‌البلاغه

مرتضی قائمی*

اختر ذوالفقاری**

چکیده

در قرآن و نهج‌البلاغه استعاره‌های مفهومی متعددی برای معرفی زندگی به کار رفته است؛ از جمله استعاره گیاه‌انگاری که به شکل متنوع برای ترسیم ابعاد زندگی مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش حاضر که به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده، تلاش شده است با استفاده از اصول استعاره مفهومی، فرافکنی حوزه مبدأ "گیاهان" بر حوزه مقصد "زندگی" در متن قرآن و نهج‌البلاغه بررسی قرار شود تا مشخص گردد که در متن قرآن و نهج‌البلاغه چه مفاهیمی از حوزه مبدأ "گیاهان" بر حوزه مقصد "زندگی" فرافکنی شده است؟ مهمترین نگاشت‌های حاصل از این فرافکنی چه می‌باشند؟ استفاده از استعاره مفهومی "زندگی زراعت است" چه تأثیری در تبیین دیدگاه اسلامی نسبت به زندگی دارد؟ نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد در متن قرآن و نهج‌البلاغه از طریق گیاه‌انگاری، تناظری بین زندگی و گیاهان و اصطلاحات مربوط به آن ایجاد شده است که مربوط به سیر حرکت انسان از تولد تا مرگ و رسیدن به مقصد نهایی زندگی است. استعاره‌های رویشی و گیاه‌انگاری در متن قرآن و نهج‌البلاغه در نهایت تأییدکننده این عقیده هستند که دنیا مزرعه آخرت است و هر چه در آن انجام دهی در آخرت نتیجه‌اش را خواهی دید.

کلیدواژه‌ها: قرآن، نهج‌البلاغه، استعاره مفهومی، گیاه‌انگاری، زندگی.

* استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه بوعلی سینا، همدان (نویسنده مسئول) m.qaemi@basu.ac.ir

** دکترای زبان و ادبیات عرب، دانشگاه بوعلی سینا، همدان. zolfaghari559@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

متن قرآن و نهج البلاغه از جمله متون استعاره محوری هستند که از استعاره و تمثیل برای ملموس و عینی‌سازی مفاهیم مورد نظر خود که انتزاعی هستند و یا از عینیت کمی برخوردارند، استفاده کرده‌اند. مفهوم زندگی و تبیین و توضیح هدف آن، از جمله مفاهیمی است که استعاره‌های متنوع و هدفمندی برای تصویرسازی آن در متن قرآن و نهج البلاغه به کار برده شده است که با استفاده از اصول استعاره مفهومی و تحلیل استعاره‌های به کار برده شده در این حوزه، می‌توان به نوع دیدگاه اسلام و امام علی (ع) نسبت به زندگی، بهتر و عمیق‌تر پی برد.

برای مثال در متن قرآن و نهج البلاغه، در حوزه زندگی دنیوی و اخروی، مفاهیم متعددی وجود دارد که برای درک آنان، حوزه گیاه از سلسله مراتب هستی به کار گرفته می‌شود. همراهی آدمی با گیاهان از بدو تولد، دیدن رویش و پژمردن آنها، استفاده از آنها به عنوان غذا و یا ماده اولیه ساخت ابزار، پرورش و کشت آنها و غیره سبب شده است که گیاهان در تجربه ما ریشه‌ای عمیق و قدیمی داشته باشند و به عنوان یکی از حوزه‌های رایج استعارات قرار گیرند.

مردم به دلایل متعدد مثل خوردن، تفریح، ساختن وسایل و غیره، گیاه پرورش می‌دهند. در نتیجه وقتی از مفهوم گیاه به صورت استعاری استفاده می‌کنیم، اجزای مختلف گیاه برایمان آشناست؛ چراکه در فرایند پرورش گیاهان، از مراحل رشد آنها باخبریم (کوچش، ۱۳۹۳: ۳۷).

در واقع در آیات قرآن و عبارات نهج البلاغه از گیاه‌انگاری بهره برده شده و اعمال و رفتار آدمی در زندگی دنیوی به مثابه بذرهایی در نظر گرفته شده است که در آخرت برداشت خواهند شد. هر انسان آخرت طلب باید دنیا را به چشم یک کشتزار بزرگ ببیند که اعمال و رفتارها حکم بذرهایی را دارد که در این کشتزار پاشیده می‌شود. همان‌طور که در کار زراعت، مراحل سه‌گانه کاشت، داشت و برداشت از هم جدایی‌ناپذیرند، هر انسانی نیز در این دنیا، دانسته یا ندانسته به کار زراعت مشغول است. هر بذری که در مزرعه دنیا کاشته می‌شود به طور مسلم توسط زارع درو خواهد شد.

با استفاده از استعاره مفهومی "زندگی زراعت است" که دارای زیرساخت گیاه‌انگاری است، ویژگی‌های حوزه گیاهان و زراعت بر حوزه مقصد (Target domain) یعنی دنیا

فرافکنی شده است. کشاورز و باغدار، مزرعه و باغ، کاشت و برداشت، بذر و محصول ویژگی‌هایی هستند که از حوزه مبدأ (Source domain) بر بنده، دنیا، انجام عمل، اعمال و پاداش یا عقاب انطباق می‌یابند.

در این مقاله برآنیم تا با استفاده از اصول استعاره مفهومی، فرافکنی حوزه مبدأ "گیاهان" بر حوزه مقصد "زندگی" را در متن قرآن و نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار دهیم و به سؤالات ذیل پاسخ دهیم:

الف- متن قرآن و نهج‌البلاغه چه مفاهیمی از حوزه مبدأ "گیاهان" بر حوزه مقصد "زندگی" فرافکنی شده است؟

ب- مهم‌ترین نگاشت‌های حاصل از فرافکنی حوزه مبدأ "گیاهان" بر حوزه مقصد "زندگی" در متن قرآن و نهج‌البلاغه چه می‌باشند؟

ج- استفاده از استعاره مفهومی "زندگی زراعت است" چه تأثیری در تبیین دیدگاه اسلامی و علوی نسبت به زندگی دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه گیاه‌انگاری و استعاره‌های رویشی در قرآن یا نهج‌البلاغه کار مستقلی صورت نگرفته است. اما در برخی مقالات و پژوهش‌ها که به حوزه‌های مقصد و مبدأ رایج در استعاره مفهومی پرداخته شده است، درباره مبحث گیاه‌انگاری و در پژوهش‌هایی که مطالعه مروری آن‌ها در این حیطه به طور خاص قرآن و نهج‌البلاغه است، درباره آیات و عباراتی با حوزه مبدأ گیاهان صحبت شده است. از نمونه‌های این مقالات، مقاله "استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی" (۱۳۸۸) نوشته هوشنگی و سیفی پرگو است. در این مقاله پس از مرور ادبیات نظریه معاصر استعاره و مولفه‌های تحلیل استعاره در این نظریه، برخی حوزه‌های مفهومی مبدأ قرآن بررسی شده است. یکی از این حوزه‌ها گیاهان است که این مقاله به بررسی این حوزه پرداخته و به مثال‌هایی قرآنی در این حیطه اشاره کرده است.

در مقاله حاضر، استعاره‌های رویشی و حوزه مبدأ گیاهان، به عنوان یکی از حوزه‌های رایج در حیطه استعاره‌های مفهومی متن قرآن و نهج‌البلاغه، با مطالعه موردی زندگی، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که کاری نو است و تاکنون پژوهشی در این حوزه صورت نگرفته است.

۳. بحث

۱.۳ استعاره مفهومی

«معنی‌شناسی شناختی در مطالعات خود نقش عمده‌ای برای استعاره قائل شده است و آن را ابزار مناسبی برای تشخیص چگونگی اندیشیدن و رفتارهای زبان می‌دانند.» (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۶۹) بر اساس مطالعات شناختی در این حوزه، نظریه استعاره مفهومی که یکی از اولین و مهم‌ترین نظریه‌هایی است که در رویکرد زبان‌شناسی شناختی مطرح شده است، شکل گرفت.

مایکل ردی (Michael. J.Reddy) در مقاله‌ای به نام "استعاره مجرا" (The conduit Metaphor) ستون‌های اولیه و سنگ‌بنای ساختمانی را پی ریخت که جورج لیکاف (George Lakoff) و مارک جانسون (Mark Johnson) آن را در سال ۱۹۸۰ و با انتشار کتاب *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم* به تکامل رساندند. مایکل ردی از دیدگاه شناختی به بررسی و تحلیل استعاره می‌پردازد.

جورج لیکاف و مارک جانسون در کتاب خود، انواع استعاره‌های مفهومی، ارتباط فرهنگ و استعاره، چگونگی شکل‌گیری نظام مفهومی را مورد تحلیل قرار داده و مبحث عینیت‌گرایی را به چالش می‌کشند. درباره خلق شباهت از طریق استعاره مفهومی سخن به میان می‌آورند. آنها در این کتاب بیان می‌کنند:

نظام مفهومی ما چیزی نیست که به طور معمول از آن آگاهی داشته باشیم. در بسیاری از فعالیت‌های جزئی که هر روز انجام می‌دهیم، کمابیش به شکل خودکار براساس الگوهای مشخصی می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم. این که این الگوها دقیقاً چه هستند به هیچ وجه روشن نیست. یکی از راه‌های شناخت این الگوها بررسی زبان است. از آنجا که ارتباط بر اساس همان نظام مفهومی دخیل در اندیشیدن و عمل کردن شکل می‌گیرد، زبان گنجینه‌ای مهم از شواهدی است که چگونگی این نظام را نشان می‌دهند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴: ۱۴).

در واقع آنها استعاره را به شناخت و تفکر ارتباط می‌دهند؛ نه به شباهت‌های عینی. لیکاف و جانسون در این کتاب به این نتیجه می‌رسند که استعاره همانند یک حس به ما در درک تجربه کمک می‌کند. آنها معتقدند همان‌طور که حس لامسه، دیدن، شنیدن و ... بخشی

از عملکرد ماست، استعاره نیز بخشی از عملکرد ما به شمار می‌آید و به اندازه همان حس‌ها ارزشمند است.

واقعیتی که ما با آن سروکار داریم، علاوه بر جهان مادی و قابل لمس پیرامون ما، دربرگیرنده جهانی انتزاعی نیز می‌باشد. این جهان انتزاعی شامل مفاهیم، انگیزه‌ها، احساسات و مواردی هستند که به صورت عینی غیرقابل لمسند. این استعاره‌ها را هستند که درک این جهان انتزاعی را برای ما ممکن ساخته و از انطباق و فراق‌کنی جهان مادی به جهان انتزاعی برای مأنوس ساختن آن استفاده می‌کنند.

بنابراین زبان‌شناسان شناختی بر این باورند که «آدمی به طور ناخودآگاه در پی یافتن ویژگی‌های مشترک در موضوعات ناهمگون است تا امور را بر پایه این اشتراک‌ها درک کند. آنها این فرایند را استعاره مفهومی می‌نامند» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۲۵).

در هر استعاره مفهومی با دو حوزه سروکار داریم. یک حوزه از تجربه بشر که انتزاعی‌تر است بواسطه حوزه دیگر که معمولاً ملموس‌تر است، مفهوم‌سازی می‌شود. حوزه عینی‌تر حوزه مبدأ و حوزه انتزاعی یا حوزه‌ای که نسبت به مبدأ از عینیت کمتری برخوردار است، حوزه مقصد نامیده می‌شود.

«آن حوزه مفهومی که ما از آن عبارات استعاری را استخراج می‌کنیم تا حوزه مفهومی دیگری را درک کنیم، حوزه مبدأ و آن حوزه مفهومی را که بدین روش درک می‌شود، حوزه مقصد می‌نامیم» (کوچش، ۱۳۹۳: ۱۵)

در حقیقت حوزه مقصد «حوزه‌ای است که ما سعی می‌کنیم به واسطه کاربرد حوزه مبدأ، آن را درک کنیم» (همان: ۱۵). حوزه‌های مقصدی که رایج و شایع هستند در سه دسته اصلی قابل طبقه‌بندی می‌باشند که عبارتند از: «حالت‌ها و منش‌های روان‌شناختی و ذهنی (احساسات، امیال، اخلاق، فکر)، گروه‌ها و فرایندهای اجتماعی (جامعه، سیاست، اقتصاد، روابط انسانی، ارتباط) و تجربه‌ها و رخدادای شخصی (زمان، زندگی، مرگ، مذهب)» (کوچش، ۱۳۹۳: ۴۷).

از آن جهت که استعاره مفهومی انطباق یک حوزه تجربی بر حوزه دیگر است؛ بنابراین حوزه‌های مبدأ اکثراً از تجارب روزمره ما و اموری که برای ما قابل درک و لمس است، انتخاب می‌شوند. از جمله حوزه‌های مبدأ رایج می‌توان از انسان، گیاهان، حیوانات، بنا و

ساختمان، تجارت و کسب و کار، نیروها، حرکت، جهت، سلامت و بیماری، گرما و سرما، ابزارها نام برد.

برطبق نظریه استعاره مفهومی، اساس استعاره روابط مفهومی میان دو حوزه مبدأ و مقصد است و برخلاف نظریه کلاسیک، کلمات و عبارات اساس استعاره نیستند.

در زبان‌شناسی شناختی، استعاره مجموعه‌ای است از مطابقت‌های مفهومی، یا در اصطلاح دقیق‌تر، نگاشت (Mapping) بین دو حوزه مفهومی مبدأ و مقصد است. مطابقت بین یک حوزه مبدأ با یک حوزه مقصد یک استعاره مفهومی را ایجاد می‌کند. عبارات استعاری زبان‌شناختی (استعاره‌های زبانی) در واقع نمودهای این استعاره‌های مفهومی (استعاره‌های موجود در ذهن) هستند - هرچند که شاید استعاره‌های مفهومی - ای نیز وجود داشته باشند که هیچ استعاره زبانی برای آنها وجود ندارد (کوچش، ۱۳۹۴: ۴۶).

در متن قرآن و نهج‌البلاغه یکی از شیوه‌های مفهوم‌سازی زندگی به وسیله نگاشت حوزه گیاهان و رویدنی‌ها بر زندگی صورت گرفته است که نگاشت‌های اصلی آن در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲.۳ دنیا متناظر با محل کشت / آخرت متناظر با محل برداشت

حوزه‌های مبدأ در استعاره مفهومی معمولاً از تجارب زندگی روزمره انسان‌ها، یعنی اموری شناخته‌شده و معمولاً محسوس هستند. گیاهان یکی از بنیادی‌ترین پایه‌های شکل‌گیری بسیاری از مفاهیم انسان هستند؛ چراکه آدمی از بدو تولد تا زمان مرگ، همواره و به روش‌های گوناگون گیاهان را تجربه می‌کند؛ رشد و شکوفایی بسیاری از گیاهان را می‌بیند و مفهوم کاشت، داشت و برداشت را با آنها تجربه می‌کند. همچنین گیاهان از اصلی‌ترین منابع غذایی انسان به‌شمار می‌روند. همه این عوامل سبب شده است تا حضور گیاهان و مفاهیم مربوط به حوزه گیاهان، به عنوان حوزه مبدأ در استعاره‌ها تقویت و تداوم یابد.

از دیدگاه اسلامی و علوی دنیا مقدمه آخرت است و از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. در متن قرآن کریم و نهج‌البلاغه پیوستگی دنیا و آخرت با استعاره مفهومی "زندگی زراعت است" تصویرسازی شده است.

برای نمونه در آیه ۲۰ سوره شوری آخرت به مثابه مکان دروی محصول در نظر گرفته شده است. بندگان که زراعت آخرت را بخواهند و برای برداشت محصول در آن مزرعه تلاش کنند، خداوند بر محصول آنها می‌افزاید و بندگان که تنها دل به زراعت در دنیا ببندند، مقداری از کاشت خود را در همین دنیا برداشت می‌کند که رزق مقرر اوست:

(مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ) (شوری/۲۰)

«کسی که زراعت آخرت را بخواهد، بر زراعتش می‌افزاییم و کسی که زراعت دنیا را بخواهد، اندکی از آن را به او می‌دهیم، ولی او را در آخرت هیچ بهره و نصیبی نیست».

واژه "حرت" به معنای «پاشیدن بذر در زمین و آماده کردن زمین برای زراعت است» (راغب، بی‌تا: ۱۴۷). زمخشری در تفسیر این آیه می‌گویند:

کاری که فاعل کار انجام می‌دهد و هدفش از آن کار به دست آوردن فایده است، به شیوه مجاز، زراعت نامیده شده است و میان آن‌که این زراعت برای آخرت انجام شود یا برای دنیا تفاوت است؛ اگر برای آخرت باشد، چند برابر خواهد شد و اگر برای دنیا باشد، مقداری از آن به او داده می‌شود که همان رزق اوست که برای او تعیین و مقرر گردیده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۲۱۸).

در آیه ذکر شده، منظور از

زراعت آخرت، نتیجه اعمال است که روز قیامت به آدمی عاید می‌شود، و به عنوان استعاره آن را زراعت آخرت نامیده، مثل اینکه اعمال صالحه بذری است که می‌کارند تا در پاییز- آخرت- آن را درو کنند. و مراد از اینکه می‌فرماید: "هر کس زراعت آخرت را بخواهد زراعتش را زیاد می‌کنیم" این است که ما ثواب او را چند برابر می‌سازیم... و عبارت "و کسی که زراعت دنیا را بخواهد، اندکی از آن را به او می‌دهیم، ولی او را در آخرت هیچ بهره و نصیبی نیست" یعنی: و کسی که تنها نتایج دنیایی را در نظر دارد و برای به دست آوردن آن می‌کوشد، و می‌خواهد که نتیجه عملش در دنیا عایدش شود، نه در آخرت، ما آن نتیجه دنیایی را به او می‌دهیم، و دیگر در آخرت بهره‌ای ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/۵۷).

بنابراین در این آیه انسان متناظر با کشاورز، عملش متناظر با بذر، انجام عمل متناظر با کاشتن بذر و دریافت پاداش یا جزای عملش در سرای آخرت متناظر با برداشت

محصول است. در این آیه به روشنی می‌توان مفهوم جمله "دنیا مزرعه آخرت است" را درک نمود.

۳.۳ عمل انسان متناظر با بذر و گیاه

استعاره "زندگی، زراعت است" از پرکاربردترین استعاره‌های مفهومی در زبان قرآن و نهج البلاغه است که تصویر دقیق و شناخته شده‌ای از مراحل زندگی و پس از مرگ را به نمایش می‌گذارد.

در نگاه دینی، بهترین "بذر"ی که در این زراعت باید کاشته شود، عمل صالح است؛ چرا که این بذر محصولش در آخرت نجات‌بخش است، هر چند که زراعت دنیا نیز ارزش خودش را دارد و به تعبیر امام (ع) خداوند هر دو را به انسان عطا می‌کند. در فراز زیر

از این بیان یک قیاس منطقی، بدین سان به دست می‌آید که «صغرا»یش "مال و فرزندان محصول دنیایند"، می‌باشد که در عبارت آمده است. «کبرا»ی آن بطور ضمنی و نهفته، "محصول دنیایی در برابر محصول آخرت ناچیز است"، می‌باشد. نتیجه این می‌شود که در حقیقت مال و فرزندان نسبت به ثواب آخرت ناچیز و حقیرند. توضیح برهان، در مقدمه دوم یعنی "و العمل الصالح حرث الآخرة"، ثابت شد که محصول آخرت کارهای شایسته‌اند؛ بنابراین مال و فرزندان نسبت به عمل نیک پست و بی‌مقدارند (ابن میثم بحرانی، ۱۳۸۹، ذیل خطبه ۲۳):

«وَإِنَّ الْمَالَ وَالْبَنِينَ حَرْثُ الدُّنْيَا وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ حَرْثُ الْآخِرَةِ وَقَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَقْوَامٍ»
(خ ۲۳).

«همانا ثروت و فرزندان، محصول دنیا و فانی، و عمل صالح زراعت آخرت است؛ گرچه گاهی خداوند، هر دوی آن را به ملت‌هایی خواهد بخشید».

امام علی (ع) در خطبه ۱۵۳، بعد از چندین هشدار و دعوت به بیداری از خواب غفلت، تذکر می‌دهد که "هرچه بکاری، همان بدروی". این استعاره دنیا را محل کاشت و آخرت را موعد برداشت معرفی کرده است. امام (ع) سپس در قالب استعاره "عمل بذر است" می‌فرماید هرچه پیش بفرستی، همان را در آخرت تحویل می‌گیری:

«كَمَا تَزْرَعُ تَحْصُدُ وَ مَا قَدَّمْتَ الْيَوْمَ تَقْدُمُ عَلَيْهِ غَدًا فَأَمْهَدُ لِقَدَمِكَ وَ قَدِمَ لِيَوْمِكَ» (خ ۱۵۳).

کارکرد گیاه‌انگاری در عینی‌سازی مفهوم ... (مرتضی قائمی و اختر ذوالفقاری) ۶۷

«و آن‌گونه که کاشتی، درو می‌کنی؛ آنچه امروز، پیش می‌فرستی، فردا بر آن وارد می‌شوی، پس برای خود در سرای آخرت جایی آماده کن و چیزی پیش فرست.»

۴.۳ عمل صالح متناظر با گیاه پرثمر / عمل غیر صالح متناظر با گیاه بی‌ثمر

در متن قرآن و نهج‌البلاغه عملی که آدمی در زمان حیات در این دنیا انجام می‌دهد به مثابه بذری است که در زمین کشاورزی کاشته می‌شود و هر بذری بگارد، ثمره همان را برداشت خواهد کرد.

انفاق به عنوان عملی پسندیده در اسلام، در قرآن بارها و بارها توصیه و امر شده است. در متن قرآن انفاق به مثابه بذری در نظر گرفته شده است که اگر در شرایط مناسبی رشد نیابد، ثمره خوبی به دست نمی‌دهد و اگر در شرایط درست و با رعایت اصول آن کاشت شود، ثمره فراوانی به انفاکننده که به مثابه کشاورز است، خواهد داد.

برای مثال در آیه ذیل انفاقی که در راه خدا و از سوی مؤمن باشد، مانند دانه‌ای است که کاشته می‌شود و محصولی چندین برابر به دست می‌دهد:

(مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (بقره/۲۴۱)

«مثل آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه صد دانه باشد؛ خدا برای هر که بخواهد چند برابر می‌کند و خدا بسیار عطا کننده و داناست.»

در این آیه انفاق متناظر با بذر، پاداش این انفاق متناظر با محصول چند برابر، انفاق‌کننده به مثابه کشاورز است. «منظور از «سبیل الله» جهاد و کارهای خیر دیگر است و این آیه شامل همه وجوه خیر است» (طبرسی، بی‌تا: ۱۳۷/۳). در این آیه از گیاه‌انگاری و استعاره "زندگی دنیوی زراعت است"، بهره برده شده است تا عملکرد مؤمنان در هنگام انفاق در راه خدا به تصویر کشیده شود.

در آیه ۲۶۵ همین سوره، انفاق در راه رضای خدا نیز با استعاره "زندگی دنیوی زراعت است"، به صورت باغ تصویرسازی می‌شود:

(وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) (۲۶۵)

و مثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا و استوار کردن نفوسشان [بر حقایق ایمانی و فضایل اخلاقی] انفاق می‌کنند، مانند بوستانی است در جایی بلند که بارانی تند به آن برسد، در نتیجه میوه‌اش را دو چندان بدهد، اگر باران تندی به آن نرسد باران ملایمی برسد [و آن برای شادابی و محصول دادنش کافی است] و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

زمخشری معتقد است که این آیه را به دو صورت می‌توان تفسیر کرد:

اول: انفاق این اشخاص نزد خداوند همانند باغ و بوستانی در مکان مرتفع است که بارانی با دانه‌های درشت بر آن می‌بارد و ثمره‌اش چندین برابر می‌شود و اگر بارانی با دانه‌های کوچک نیز بر آن بیارد، همین باران برای رشدش کافیست.

دو: حال انفاق‌کنندگان در راه رضای خدا، نزد خداوند مانند باغی بر روی تپه‌ای است و انفاق کم و زیاد آنها همانند باران آرام و باران شدید است و هر یک از این باران‌ها باعث چندبرابر شدن میوه آن باغ می‌گردد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۳۱۳).

در حالت اول انفاق فرد انفاق‌کننده همانند باغ است بنابراین استعاره مفهومی موجود در آیه، استعاره تصویری است. اما اگر حالت دوم را در نظر بگیریم در این صورت از استعاره ساختاری "زندگی دنیوی زراعت است"، در پس‌زمینه آیه استفاده شده است. حال فرد انفاق‌کننده به مثابه باغ، انفاق به مثابه باران و ثمره انفاق به مثابه میوه باغ است.

در این آیه جَنَّةٌ و بهشت گفته شده است برای اینکه بفهماند اینجور انفاق مثل جَنَّة و دانه نیست که بهره‌اش مصرف شود و تمام شود بلکه مثل جَنَّة و بهشت است که بهره‌اش پی در پی میرسد و خودش باقی است و زمین مرتفع برای اشاره به بلندی مرتبه و ارزش عمل آنها است (عاملی، ۱۳۶۰: ۱/۵۵۱).

در نهج‌البلاغه از عملکرد فاسدان (منافقان، خوارج یا اصحاب معاویه یا...) در ارتکاب و انتشار فجور به عنوان زراعت و کاشت تعبیر شده است. در این استعاره مفهومی فسق و فجور متناظر با بذر کشاورزی، غرور و نیرنگ متناظر با آب زراعی و هلاکت متناظر با محصول این زراعت است. لذا این فاسدان به مثابه کشاورزانی هستند که فسق و فجور می-

کارند و با نیرنگ آبیاری نموده، هلاکت و نابودی درو می‌کنند. علامه بحرانی در این مورد می‌گوید:

سخن امام (ع) که فرمود: «زرعوا الفجور و سقوه الغرور» استعاره‌ای زیباست، زیرا کلمه «فجور» عبارت است از بیرون آمدن از ملکه عفت و زهد و شکستن حدود عفت و گرایش به افراط در جهت مخالف زهد، و معنای زراعت افشاندن دانه در زمین است. امام (ع) لفظ زرع را برای افشاندن بذر «فجور» در زمین دل‌ها استعاره آورده است. به علاوه انتشار بذر و رشد آن در میان مخالفان دیانت شباهت به رشد بذر و انتشار آن در زمین پیدا کرده است و قرینه دیگری است برای استعاره، چون غرور و غفلت مخالفان دیانت به علت عدولشان از راه راست و گرایش آن‌ها به انحراف و پرتگاه‌های هلاکت است و سببی است که آن‌ها را به سرکشی و افزایش نادرستی و تجاوزشان از راه مستقیم می‌کشاند و لذا شباهت پیدا کرده است به آبی که مایه زندگی، زراعت و رشد و افزایش آن می‌باشد. به این دلیل مناسب است لفظ سقی را که ویژگی خاص آب است برای ادامه غرور استعاره آورده و غفلت و غرور را به آن‌ها نسبت دهد. چون نتیجه نهایی فجور در دنیا هلاکت‌شان به وسیله شمشیر و در آخرت ابتلا به عذاب الهی است، ناگزیر نتیجه فجور با نتیجه زراعت شباهت پیدا کرده و لفظ درو را که نتیجه نهایی زراعت است، برای هلاکت آن‌ها استعاره آورده و آن‌ها را به «درو شدن» نسبت داده است. (ابن میثم بحرانی، ۱۳۸۹، ذیل خ ۲).

«زَرَعُوا الْفُجُورَ وَ سَقَوْهُ الْغُرُورَ وَ حَصَدُوا الثُّبُورَ» (خ ۲).

«برابر فاسدانی که تخم گناه افشانند، و با آب غرور و فریب آبیاری کردند، و محصول آن را که جز عذاب و بدبختی نبود، برداشتند».

این عبارت زبانی که در زیرساخت خود دارای استعاره گیاه‌انگاری است، دارای نگاهت‌های ذیل است: فسق و فجور متناظر با بذر / غرور متناظر با آب / هلاکت متناظر با محصول / فاسق متناظر با کشاورز (زارع فسق)

۵.۳ رذایل اخلاقی و اعتقادی (مانند منت، ریا، سستی و کاهلی، ...) متناظر با آفت گیاه

همان طور که هر گیاهی آفتی دارد و ممکن است سبب از بین رفتن آن شود، عمل آدمی نیز که به مثابه بذر و گیاه است، آفتی دارد که انسان باید عمل خود را از آن مصون بدارد.

در آیه ۱۱۷ سوره آل عمران، عمل انفاق کافران را که انفاقی باطل است، به مثابه زراعتی است که کفر به مثابه باد سرد که یکی از آفت‌های از بین برده گیاه و بذر است، آن را از بین می‌برد:

(مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكْتَهُ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ) (آل عمران/۱۱۷)

داستان آنچه [کافران] در این زندگی دنیا انفاق می‌کنند، مانند بادی آمیخته با سرمای سخت است که [به عنوان مجازات] به کشتزار قومی که بر خود ستم کرده‌اند برسد و آن را نابود کند؛ و خدا به آنان ستم نکرده است، ولی آنان به خویشتن ستم می‌ورزند (ترجمه حسین انصاریان).

چندین نکته در مورد تمثیل به کار رفته در آیه وجود دارد که پس از تحلیل آنها می‌توان به نگاشت‌های به کار رفته در آیه پی برد و آن را تحلیل کرد:

نکته اول: تشبیهی که در این آیه به کار رفته است، به دلیل کثرت استعمال، مانند علم شده است و معنای کلام آن است که کفر کافران سبب باطل شدن ثواب انفاقشان شده است؛ همان طور که باد سرد زراعت را از بین می‌برد.

نکته دوم: اگر گفته شود که انفاق آنان همانند زراعتی است که از بین رفته است پس چگونه در این آیه انفاق به باد نابودگر تشبیه شده است؟ در پاسخ باید گفت: تمثیل موجود در آیه را به دو صورت می‌توان در نظر گرفت. اول آن‌که مشابهت حاصل از مقصودی است که از دو جمله برداشت می‌شود؛ اگرچه میان تک تک اجزا مشابهتی نباشد، یعنی تشبیه مرکب در آیه به کار رفته است و در این صورت پرسیدن سؤال مطرح شده منتفی است. دوم آن‌که مشابهت، حاصل از مقصود و معنای دو جمله است و بین تک تک اجزا مشابهت وجود دارد و در این صورت می‌توان برای آن چند صورت در نظر گرفت:

کارکرد گیاه‌انگاری در عینی‌سازی مفهوم ... (مرتضی قائمی و اختر ذوالفقاری) ۷۱

الف- کفری که انفاق آنها را از بین می‌برد مانند بادی است که زراعت را نابود می‌کند.

ب- انفاق کافران مانند آن چیزی است که توسط باد نابود می‌شود و منظور همان زراعت است.

ج- شاید "مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ" اشاره‌ای باشد به آنچه که آنان برای اذیت و آزار رسول خدا انفاق کردند تا بر ضد او سپاهیان گرد آورند. و این چنین انفاقی از بین برنده هر عمل خیر و نیکو است. در اینصورت تشبیه دیگر نیازی به تقدیم و تأخیر و اضممار ندارد و تقدیر آن چنین است: مثل ما ینفقون فی کونه مبطلًا لما أتوا به قبل ذلک من أعمال البر کمثل ریح فیها صر فی کونها مبطله للحرث، و هذا الوجه (رازی، ۱۴۲۰: ۳۳۶/۸ و ۳۳۷)

هر یک از تحلیل‌ها و صورت‌های مطرح شده درباره آیه را بپذیریم، در هر صورت نگاهت‌های، کافران متناظر با کشاورزان، کفر کافران متناظر با باد، انفاق کافران به مثابه بذره‌های کاشته شده، محصول نابود شده متناظر با نتیجه عمل کافران، نگاهت‌هایی هستند که در آیه به کار رفته‌اند.

و یا در آیه ذیل بنده‌ای که در آخرت به اعمال صالح نیازمند است متناظر با باغداری سالخورده و نیازمند به محصولات باغش است. برخی مفسران این آیه را تمثیلی درمورد انفاق‌کننده ریاکار می‌دانند.

قبل از این آیه، مطالبی درباره نهی از باطل کردن صدقه با منت و اذیت آورده شده است و انفاق‌کننده منت‌گذار و آزاردهنده به سنگی سخت و صاف تشبیه شد. سپس درباره کسانی صحبت شد که برای رضایت خدا انفاق می‌کنند و بعد از این مطالب، آیه مذکور آمده است. سدی معتقد است که این آیه نیز درباره انسان ریاکار است. ابن زید می‌گوید: این آیه مثالی است برای صدقه‌دهنده منت‌گذار. قتاده و مجاهد و الربیع و برخی دیگر معتقدند که آیه درباره کسی است که در اطاعت و عبادت خدا سستی و تنبلی می‌کند. ابن جریج می‌گوید: درباره کسی است که جوانی و مال به او داده شده است؛ اما او کاری نمی‌کند تا اینکه از او سلب می‌شوند. ابن عباس می‌گوید: درباره کسی است که انواع عبادت‌ها را انجام می‌دهد و عبادت‌هایش همانند باغی است که در آن هر نوع میوه‌ای وجود دارد؛ اما با بدی توهین که همانند گردباد است، آن را از میان می‌برد و حسرت او در این زمان همانند حسرت خوردن پیرمردی است که با وجود

نیاز بسیارش به باغ، باغش را از دست داده است و نمی‌تواند آن را دوباره بسازد
(ابوحیان، ۱۴۲۰: ۶۷۱/۲):

(أ يَوْمٌ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ) (بقره/۲۶۶)

آیا یکی از شما دوست دارد که او را بوستانی از درختان خرما و انگور باشد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، و برای وی در آن بوستان از هر گونه میوه و محصولی باشد، در حالی که پیری به او رسیده و دارای فرزندان ناتوان [و خردسال] است، پس گردبادی که در آن آتش سوزانی است به آن بوستان برسد و یک پارچه بسوزد؟ [ریا و منت و آزار به همین صورت انفاق را نابود می‌کند] این گونه خدا آیاتش را برای شما توضیح می‌دهد تا بیندیشید (ترجمه حسین انصاریان).

هر یک از تحلیل‌ها و تفاسیر را در مورد آیه بپذیریم، استعاره مفهومی "زندگی دنیوی زراعت است"، در پس‌زمینه آیه قرار دارد؛ اما برای هر یک از تحلیل‌ها و تفسیرهای ذکر شده، استعاره ساختاری نگاهت‌های متفاوتی خواهد داشت. این آیه اگر تمثیلی برای انسان انفاق‌کننده ریاکار باشد، یا صدقه‌دهنده منت‌گذار باشد بنابراین زیر استعاره‌ی استعاره مفهومی "زندگی دنیوی زراعت است"، "انفاق همراه با آزار و منت زراعت است"، می‌باشد و نگاهت‌های آن عبارتند از:

انفاق متناظر با باغ / انفاق‌کننده متناظر با باغدار / منت و ریا متناظر با گردباد

در موارد دیگر، زیر استعاره تغییر کرده و در پس‌زمینه آیه استعاره "زندگی دنیوی زراعت است"، قرار دارد. اگر این آیه تمثیل در مورد انسانی در نظر گرفته شود که در عبادات کاهلی کرده است، در این صورت زیر استعاره و نگاهت‌های استعاره ساختاری مذکور عبارتند از:

عبادت و اطاعت زراعت است / فرصت و نعمت عبادت‌ها و اطاعت‌ها متناظر با باغ /
بنده متناظر با باغدار / کاهلی و سستی متناظر با گردباد

کارکرد گیاه‌انگاری در عینی‌سازی مفهوم ... (مرتضی قائمی و اختر ذوالفقاری) ۷۳

و اگر تمثیل را در مورد جوانی سرمایه‌دار در نظر بگیریم که از سرمایه خود بهره‌ای نمی‌برد و اندوخته اخروی برای خود نمی‌اندوزد، تا اینکه آن را از دست دهد، در این صورت زیراستعاره و نگاشت‌ها عبارتند از:

جوان سرمایه‌دار باغدار است / جوانی و نعمت متناظر با باغ / جوان سرمایه‌دار متناظر با باغدار / عدم استفاده از جوانی و مال متناظر با گردباد

هم‌چنین این تمثیل می‌تواند در مورد انسانی عابد باشد که با بدی و و توهین، اعمال خود را بی‌اثر می‌کند. بنابراین نگاشت‌های استعاره ساختاری "زندگی دنیوی زراعت است"، که در این آیه به کار رفته است، عبارتند از:

اعمال عابد متناظر با باغ / عابد متناظر با باغدار / توهین و بدی متناظر با گردباد
در این تمثیل، زیراستعاره ساختاری "زندگی دنیوی زراعت است"، عبارت است از: "عبادت زراعت است".

۶.۳ نیت انجام عمل متناظر با آب

رابطه عمل با نیت بیش‌ترین شباهت را از جهت حیات و رویش و طعم و مذاق به ارتباط زراعت با آب دارد. چون درختی که از آب زلال آبیاری شود میوه‌اش خوش طعم و شیرین می‌شود و درختی که از آب گل‌آلود و آلوده آبیاری شود، میوه‌اش فاسد و آلوده می‌گردد. اعمال هم چنین است و قوامش به نیت است (مغنیه، ۱۹۷۹، ذیل خطبه ۱۵۴).

«وَاعْلَمُ أَنَّ لِكُلِّ عَمَلٍ نَبَاتًا وَكُلُّ نَبَاتٍ لَا غِنَىٰ بِهِ عَنِ الْمَاءِ وَالْمِيَاهُ مُخْتَلِفَةٌ فَمَا طَابَ سَقِيهِ طَابَ غَرَسُهُ وَحَلَّتْ ثَمَرَتُهُ وَ مَا خَبَثَ سَقِيهِ خَبَثَ غَرَسُهُ وَأَمَرَتْ ثَمَرَتُهُ» (خ ۱۵۴).

و آگاه باش هر عملی رویشی دارد، و هر روینده‌ای از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها نیز گوناگون می‌باشند. پس هر درختی که آبیاری‌اش به اندازه و نیکو باشد، شاخ و برگش نیکو و میوه‌اش شیرین است، و آنچه آبیاری‌اش پاکیزه نباشد درختش عیب‌دار و میوه‌اش تلخ است.

واژه نبات (رویش) را برای زیاد شدن عمل و نمو و افزایش آن استعاره آورده، و این کنایه از ریشه اعمال انسان است که در دل جای دارد. وجه مشابهت این است که همان

گونه که رویش و خیزش گیاه بستگی به آب دارد، اعمالی که انسان برای عبادت و بندگی خداوند انجام می‌دهد، نیز وابسته به امیال قلبی و برخاسته از نیات اوست و آشکار است که اختلاف آب‌ها از نظر شیرینی و شوری، سبب بروز اختلاف در چگونگی استعداد رویدنی‌ها و خوبی کشتزارها و میوه‌هاست و هر چه از آب پاکیزه‌تری بهره مند است میوه‌اش بهتر و پاکیزه‌تر است و بدی و فساد در آن نیست، اعمال انسان نیز که شبیه رویدنی‌هاست پاکیزگی ثمرات آن که همان میوه‌های پاکیزه بهشت و انواع لذت‌های آن است بستگی به زلال بودن ماده و منشأ این اعمال دارد و ماده آن‌ها اخلاص برای خداست و بدی و پلیدی ثمرات اعمال نیز بر حسب خبث ماده آن‌هاست که عبارت است از ریا و شهرت طلبی و ثمره این‌ها تلخ‌ترین ثمرات است، زیرا چیزی در کام تلخ‌تر از آتش نیست، توفیق از خداوند است (ابن میثم بحرانی، ۱۳۸۹، ذیل خطبه ۱۵۴).

بنابراین می‌توان گفت که "عمل، گیاه است" که مبتنی است بر استعاره ساختاری "زندگی، زراعت است" و در قالب استعاره، مفهوم فضائل و اخلاص و پاکی نیت را در مقابل رذائل و ناپاکی به تصویر کشیده و مفهوم سازی نموده است.

۷.۳ روند رشد انسان متناظر با رشد گیاه

در متن قرآن در برخی آیات روند و سیر تولد تا مرگ انسان به مثابه گیاه انگاشته شده است. روح انسان بذری است که توسط خداوند کاشته می‌شود و همانند یک گیاه رشد می‌کند و پرورش می‌یابد. موضوع کلی استعاره‌هایی که حوزه مبدأ آنها گیاه است، «رشد یک نظام پیچیده انتزاعی است که در قالب رشد طبیعی گیاه مفهوم‌سازی می‌شود. این مفهوم‌سازی به استعاره ساده "رشد یا پیشرفت انتزاعی، رشد فیزیکی طبیعی است" ختم می‌شود.» (کوچش، ۱۳۹۳: ۲۱۹) در یک نگاه کلی در آیه ۱۷ سوره نوح نیز آفرینش آدمی به مثابه آفرینش گیاه انگاشته شده است:

(وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا) (نوح/۱۷)

«و خدا شما را از زمین [مانند] گیاهی رویانید.»

تعبیر به "انبات" و رویانیدن، در مورد انسان، به خاطر آن است که اولاً آفرینش نخستین انسان از خاک است، و ثانیاً تمام مواد غذایی که انسان می‌خورد و به کمک آن

کارکرد گیاه‌انگاری در عینی‌سازی مفهوم ... (مرتضی قائمی و اختر ذوالفقاری) ۷۵

رشد و نمو می‌کند از زمین است، یا مستقیماً مانند سبزی‌ها و دانه‌های غذایی و میوه‌ها، و یا به طور غیر مستقیم مانند گوشت حیوانات، و ثالثاً شباهت زیادی در میان انسان و گیاه وجود دارد و بسیاری از قوانینی که حاکم بر تغذیه و تولید مثل و نمو و رشد گیاهان است بر انسان نیز حکمفرما است. این تعبیر در مورد انسان بسیار پر معنی است و نشان می‌دهد که کار خداوند در مسأله هدایت فقط کار یک معلم و استاد نیست؛ بلکه همچون کار یک باغبان است که بذره‌های گیاهان را در محیط مساعد قرار می‌دهد تا استعدادهای نهفته آنها شکوفا گردد (مکارم، ۱۳۷۱: ۲۵/۷۷).

تناظر حوزه انسان و گیاه تناظری دقیق و زیباست. همان‌طور که هدف از کاشتن بذر، به ثمر نشستن آن و میوه دادن آن است، هدف از تولد انسان نیز، رشد و تعالی و ثمره دادن فکر و روح اوست. بنابراین انسان به مثابه بذری است که کاشته می‌شود، رشد می‌کند و ثمره می‌دهد.

در آیه ۳۷ سوره آل عمران رشد و تربیت حضرت مریم به مثابه رشد گیاه در نظر گرفته شده است:

(فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا...) (آل عمران/۳۷)

«پس پروردگارش او را به صورت نیکویی پذیرفت، و به طرز نیکویی نشو و نما داد...» (ترجمه حسین انصاریان).

به گفته برخی مفسران منظور از واژه "أنبت: رویاند" در این آیه، «تربیت نیکو» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۳۵۸) و «پرورش مریم و اشاره به جنبه‌های تکامل معنوی، روحانی و اخلاقی مریم است» (مکارم، ۱۳۷۱: ۲/۵۲۸). برخی نیز این عقیده را دارند که منظور از آن این است که «حضرت مریم از نظر ظاهری و جسمی، رشد کامل و خوبی داشت» (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱/۵۰۵). نگاشت‌های استعاره ساختاری "زندگی دنیوی زراعت است" و زیر استعاره به کار رفته در این آیه یعنی "انسان گیاه است"، عبارتند از:

انسان (حضرت مریم) متناظر با گیاه / رشد جسمی و معنوی انسان (حضرت مریم) متناظر با رشد گیاه.

۸.۳ زندگی دنیوی متناظر با آبی که به گیاه تبدیل می‌شود / از بین رفتن دنیا متناظر با خشک شدن گیاه

از نمونه‌های بارز گیاه‌نگاری می‌توان به تصویرسازی دنیا و اعمال دنیوی به طور کلی به صورت گیاه و بذر اشاره کرد که بارها در قرآن به آن پرداخته شده است. برای نمونه در آیه ۲۴ سوره یونس

حال دنیا در روی آوردن نعمت‌هایش و از بین رفتن سریع آنها به حال گیاهی تشبیه شده است که مایه زینت و سرسبزی زمین است و خشک می‌شود و از میان می‌رود... منظور از "قادران علیها" نیز آن است که از منفعت آن بهره‌مند هستند و ثمره آن گیاه را به دست می‌آورند تا اینکه خداوند آن گیاهان را همانند محصولی درو شده و از زمین کنده شده می‌سازد (زمخشری، ۱۴۰۷ه.ق: ۳۴۰/۲-۳۴۱)

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (يونس/۲۴)

در حقیقت، داستان زندگی دنیا [در به سرعت از دست رفتنش] مانند آبی است که از آسمان نازل کردیم، پس گیاهان و رویدنی‌های زمین از آنچه مردم و چهارپایان از آن می‌خورند، با آن آب در آمیخت [و رشد و نمو یافت] تا آن گاه که زمین [سرسبزی و نهایت زیبایی و] زینتش را [از آن همه رویدنی‌های رنگارنگ هم چون عروس] بر خود گرفت، و اهل آن گمان کردند که قدرت [هر نوع بهره‌برداری را] از آن [چهره زیبا و آراسته] دارند، [که ناگهان] فرمان ما در شبی یا روزی [به صورت سرمایی سخت یا صاعقه‌ای آتش‌زا یا توفانی بنیان‌کن] به زمین رسید، پس همه گیاهان را به صورت گیاهان خشک درو شده درآوردیم که گویی دیروز [چنین زراعتی] وجود نداشته. این‌گونه نشانه‌ها [ی قدرت خود] را برای گروهی که می‌اندیشند، بیان می‌کنیم.

و همچنین می‌فرماید:

(وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا) (کهف/۴۵)

و زندگی دنیا را برای آنان وصف کن که [در سرعت زوال و ناپایداری] مانند آبی است که آن را از آسمان نازل کنیم، پس گیاه زمین به وسیله آن [به طور انبوه و در هم پیچیده] بروید، [و طراوت و سرسبزی شگفت‌انگیزی پدید آورد] آن گاه [در مدتی کوتاه] خشک و ریز ریز شود که باها آن را به هر سو پراکنده کنند؛ و خدا بر هر کاری تواناست (ترجمه حسین انصاریان).

خداوند متعال به پیامبر خود دستور می‌دهد که برای مردم مثلی بزند که آنها را از دنیا بی‌میل و به آخرت، راغب گرداند» (طبرسی، بی‌تا: ۷۲/۱۵). و برای این امر، آیه بالا آورده می‌شود.

این مثل، در باره متکبرانی است که به دنیا مغرور شده و از مجالست مؤمنین تهیدست، سر باز زده‌اند. خداوند به آنها خاطر نشان می‌کند که: دنیا مورد توجه او نیست. دنیا به گیاه سبزی می‌ماند که با ریزش قطرات باران می‌روید و سبز و خرم می‌شود؛ اما همین که آب باران به او نرسید، می‌خشکد و به صورت خاشاک در می‌آید (همان: ۷۳).

۴. نتیجه‌گیری

متن قرآن و نهج‌البلاغه پر از استعاره‌های مفهومی است که سبب تقرب ذهن مخاطب به مفهوم موردنظر می‌گردد. یکی از حوزه‌های مفهومی رایج در این زمینه، حوزه مبدأ گیاهان می‌باشد که استعاره‌های رویشی را در متن این دو کتاب ارزشمند شکل می‌دهند. استعاره‌های رویشی یا استعاره‌های مفهومی گیاه‌انگاری شامل مواردی هستند که در آنها، مفاهیم انتزاعی یا مفهومی که برای مخاطب عینیت کمی دارند، با استفاده از اصطلاحات حوزه گیاهان و رویدنی‌ها، مفهوم‌سازی می‌شوند.

در متن قرآن و نهج‌البلاغه از طریق گیاه‌انگاری، تناظری بین زندگی و گیاهان و اصطلاحات مربوط به آن ایجاد شده است که مربوط به سیر حرکت انسان از تولد تا مرگ و رسیدن به مقصد نهایی زندگی است.

از دیدگاه اسلامی و علوی انسان به مثابه بذری است که کاشته می‌شود، رشد می‌یابد و به ثمر می‌نشیند. این استعاره، دارای نگاشت‌های ذیل است:

خداوند متناظر با باغبان

انسان متناظر با بذر

همچنین از این دیدگاه، دنیا مقدمه آخرت است و از یکدیگر جدایی ناپذیرند. در متن قرآن کریم و نهج البلاغه پیوستگی دنیا و آخرت با استعاره مفهومی "زندگی زراعت است" تصویرسازی شده است. به طور کلی می‌توان گفت، نگاشت‌های ذیل، نگاشت‌های غالب به کار برده شده در استعاره‌های رویشی در متن قرآن و نهج البلاغه به کار برده شده است:

زندگی زراعت است

انسان متناظر با کشاورز یا باغدار

دنیا متناظر با محل کاشت

آخرت متناظر با محل برداشت

عمل صالح به متناظر با بذر گیاه پرثمر

عمل ناصالح متناظر با بذر گیاه بی‌ثمر یا بدثمر

نیت متناظر با آب آبیاری‌کننده بذر

خصلت‌ها و اخلاقیاتی مانند ریا، منت، کفر و ... متناظر با آفت‌های بذر

هر یک از این نگاشت‌ها شامل نگاشت‌های دیگری هستند که زیرمجموعه این نگاشت‌های کلی هستند و در هر مثال که بیان شده است، به آنها اشاره شد. برای مثال نگاشت، "انفاق بی‌ریا و بدون منت متناظر با دانه‌ای که هفت خوشه برویاند"، زیرمجموعه-ای از نگاشت، "عمل صالح به متناظر با بذر گیاه پرثمر" و نگاشت فجور متناظر با بذری که هلاکت محصول آن است "زیرمجموعه نگاشت "عمل ناصالح متناظر با بذر گیاه بی-ثمر یا بدثمر" می‌باشد.

استعاره‌های رویشی و گیاه‌نگاری در متن قرآن و نهج البلاغه در نهایت تأییدکننده این عقیده هستند که دنیا مزرعه آخرت است و هر چه در آن بکاری، در آخرت درو خواهی کرد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابن میثم بحرانی، کمال الدین میثم، (۱۳۸۹). شرح نهج البلاغه، ترجمه محمد صادق عارف و همکاران، مشهد: چاپ دوم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۲- ابوحنبل، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰). البحر المحيط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.

کارکرد گیاه‌انگاری در عینی‌سازی مفهوم ... (مرتضی قائمی و اختر ذوالفقاری) ۷۹

- انصاریان، حسین. (۱۳۹۳). ترجمه قرآن کریم. تهران: سازمان دارالقرآن کریم. نشر تلاوت.
- الراغب الاصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد. (لاتا). المفردات فی غریب القرآن. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتب العربی.
- صفوی، کورش. (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: سوره مهر.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ق: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
- طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا). ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران: فراهانی.
- عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰). تفسیر عاملی. تهران: کتابفروشی صدوق.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸ هـ.ش). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کوچش، زلتن. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره. پوراابراهیم، شیرین (مترجم). تهران: سمت.
- (۱۳۹۴). استعاره در فرهنگ؛ جهانی‌ها و تنوع، انتظام، نیکناتا (مترجم). تهران: سیاه‌رود.
- لیکاف، جورج و جانسون، مارک. (۱۳۹۴). استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم، مترجم: پوراابراهیم، شیرین. تهران: علم.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۹۷۹). فی ظلال نهج البلاغه، دار العلم للملایین، بیروت، لبنان.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ هـ.ش). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.